

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و چهارم، دوره جدید، شماره ۶۴، پیاپی ۱۵۴، زمستان ۱۴۰۳
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۱۲۹-۱۰۱

از هشدار تا انقلاب؛ بررسی شعر کارگری شاعران چپ‌گرای مشهد ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ش^۱

کبری صالحی جاوید^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

چکیده

کمیته ایالتی حزب توده خراسان یکی از شاخه‌های استانی حزب توده بود که هم‌راستا با کادر مرکزی، توجه به ادبیات را در دستور کار قرار داد. علاوه بر این تبعیت حزبی، حضور اهل فرهنگ و ادب خراسان در رده‌های تشکیلاتی آن سبب شد شعر به‌طور گسترده برای تشریح اهداف و آرمان‌های حزبی به کار رود. بخش مهمی از این اشعار نیز به اولویت‌های مهم حزب یعنی طبقه رنجبر و کارگر اختصاص یافت تا هم‌زمان، سهمی از بار تلاش‌های سیاسی- اجتماعی کمیته ایالتی خراسان برای بهبود اوضاع این قشر را به دوش گیرد. تشریح شرایط سخت زندگی رنجبران، تهییج آن‌ها برای حرکت و احقاق حق و همراهی حزب توده با آنان در این راه، از محورهای شعر کارگری شاعران توده‌ای مشهد بود. اطلاعات مدنظر این پژوهش به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در مرحله توصیف، ابتدا محتوای اشعار شاعران توده‌ای مشهد گردآوری و دسته‌بندی شد و در مرحله تحلیل، مضامین بازتاب‌یافته در اشعار در پیوند با گفتمان ایدئولوژیک حزب توده و زمینه‌های اجتماعی- سیاسی خراسان، ارزیابی و تفسیر قرار شد.

کلیدواژه: حزب توده مشهد، شاعران، شعر کارگری.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2025.47436.2942

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران:

k.salehijavid@hsu.ac.ir

مقدمه

در تاریخ ایران، ادبیات به‌ویژه شعر، همواره در پیوند ناگزیر با حکومت بوده و در راستای اشاعه قدرت و توسعه قلمرو حاکمان و در جهت مشروعیت‌بخشی و چشمگیر جلوه‌دادن شوکت و قدرت آن‌ها به خدمت درمی‌آمده است (کشاورز بیضایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰۳). علاوه بر حکومت‌ها، جریان‌های فکری و اجتماعی نیز از شعر و قدرت آن برای بیان و ترویج دیدگاه‌های خود استفاده می‌کرده‌اند که این الگو در دوره معاصر نیز دیده می‌شود. حزب توده یکی از تأثیرگذارترین جریان‌های ایران در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ شمسی بود که تا حد زیادی نبض فرهنگی کشور را تصاحب کرد. گفتمان ادبی و هنری این حزب بسیاری از روشنفکران به‌ویژه شاعران را با شعارهای حمایت از مردم مظلوم و کارگر، مبارزه با امپریالیسم و مانند آن جذب کرد (ملک‌پایین و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲).

این حزب با نشریات پرشمار خود در این سال‌ها برای ادبیات، مضمون، دغدغه و الگو تعریف می‌کرد: نشریات توده‌ای سرشار از تشریح مرام‌نامه حزبی در قالب مقالات ادبی، تبلیغ کتاب‌های مورد تأیید حزب، معرفی نویسندگان شوروی به‌عنوان الگو، برجسته‌سازی شاعران و نویسندگان مورد تأیید حزب و حرکات هماهنگ برای جلوه‌دادن مضامین حزبی به‌عنوان گفتمان مترقی و قابل طرح بودند (حاجی‌آقابابایی و محمدی، ۱۴۰۲: ۳۲). حزب توده به‌واسطه دو مجرا نگاهی ویژه به شعر داشت:

۱. وابستگی شدید سازمان‌های اقماری چپ در جهان به حزب کمونیست شوروی و از جمله حزب توده ایران؛ به عبارت دیگر ادبیات حوزه‌ای مهم در شوروی محسوب می‌شد و ورودی دستوری و ابزاری به این قلمرو فرهنگی داشتند. ادبیات و اهل ادب در شوروی موظف بودند تمام دستورات سیاست فرهنگی مرام کمونیستی را پوشش دهند (روله، ۱۳۹۱: ۷) و دنباله‌روی حزب توده در این حوزه کاملاً مشهود بود؛

۲. در تاریخ ایران شعر همواره ابزاری قدرتمند برای دفاع از ایده‌ها و ایدئولوژی‌ها بوده و حزب توده نیز می‌خواست از این سلاح کارآمد بهره ببرد. در میان اعضای اصلی حزب توده، افراد اهل ادب کم نبودند و این مسئله در استخدام فوری، وسیع و هدفمند شعر برای اهداف حزبی نقش مهمی داشت. این اهتمام از آنجا روشن می‌شود که در نمودار تشکیلاتی حزب، جایگاه سازمانی به‌عنوان «مسئول شاعران» وجود داشت که در برهه‌ای سیواوش کسرایی عهده‌دار آن بود (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷: ۵۱۶). هرچند پیوند کسرایی به حزب نه پیوندی تئوریک، بلکه علقه‌های اجتماعی و عاطفی بود و به‌ویژه پس از عزیمت به شوروی و مشاهده تفاوت‌های دنیای واقعی با تبلیغات مطرح شده، به شدت سرخورده و از آن جدا شد

(عظیمی و طیه، ۱۳۹۱: ۲/ ۹۹۳).

شعر کارگری با مشروطه و تحت تأثیر تفکرات سوسیالیستی و همچنین عواطف انسان دوستانه شاعران ابتدا توسط لاهوتی و فرخی یزدی شکل گرفت (شریف پور و باقری، ۱۳۹۰: ۶۴). هدف آن انعکاس شرایط زندگی کارگران، مسائل و مشکلات آنان بود. شعر کارگری در دوره رضاشاه با افول جدی مواجه شد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۹)، اما پس از سقوط او تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شمسی دوران اوج این نوع شعر رخ نمود (رحیمی و محمدی، ۱۴۰۲: ۲۶). شاعران حزبی توده‌ای نیز در همین گونه محتوایی توجه به کارگران را در کنار دیگر محورهای مورد تأکید حزب، در دستور کار ویژه قرار دادند.

تأثیر حزب توده بر ادبیات مورد توجه محققان قرار گرفته است؛ از جمله شفیع کدکنی در بخشی از کتاب *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت به اثرگذاری حزب بر شاملو، ابتهاج و اخوان ثالث* تأکید کرده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۶۰ و ۵۸). جوادی یگانه و بشیر تفنگساری در *اثر ادبی به منزله پاسخی ایدئولوژیک نوشته شاپور بهیان و تأثیر حزب توده بر ادبیات داستانی ایران* نیز در همین حوزه قلم زده‌اند.

همچنین مفتاحی در *منزل به منزل در پی سراب*، به تأثیر تعلیمات حزب توده بر زندگی و اشعار م. آزاد پرداخته است. غالب پژوهش‌های انجام‌یافته در این حوزه، مختص چهره‌های شاخصی مانند سیاوش کسرای، شاملو، صمد بهرنگی و احسان طبری بوده و شاعران در کمیته‌های ایالتی مورد غفلت قرار گرفته‌اند. همچنین در حوزه شعر کارگری نیز چند پژوهش مانند مقاله «بررسی و تحلیل شعر کارگری در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی» نوشته رحیمی و محمدی، «مقایسه ادبیات کارگری در اشعار فرخی یزدی و جمیل صدقی زهاوی» نوشته شریف پور و باقری و «بررسی مضامین اشعار کارگری دوره مشروطه» بصیری و دیگران منتشر شده که به ابعاد این گونه محتوایی ورود کرده، اما این پژوهش‌ها نیز شاعران شاخص را مورد تحقق قرار داده‌اند.

«کمیته ایالتی حزب توده خراسان» یکی از شاخه‌های استانی حزب بود که مانند مرکزیت حزب طی سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۵ توفیقاتی در ساحت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشت. شاعران عضو یا هوادار حزب در مشهد، یکی از شاخص‌های حیات فرهنگی این کمیته در خراسان به حساب می‌آمدند که بررسی اشعار هوادارانه آن‌ها در بازسازی نحوه عمل و گستره نفوذ و قدرت حزب در مشهد مفید است. نویسنده مقاله حاضر، در پژوهشی با عنوان «آرمان شهر شاعران چپ‌گرای مشهد ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵» به بُعد دیگری از اشعار شاعران توده‌ای مشهد پرداخته و به صورت اختصاصی بر تصویرسازی آنان از شوروی به عنوان مدینه

فاضله تمرکز کرده است.

در این مجال نیز تلاش خواهد شد به شعر کارگری آن‌ها ورود کرده و به سؤالاتی مانند

۱. چرا شاعران توده‌ای مشهد به عرصه شعر کارگری پرداخته‌اند؟

۲. محورهای مورد توجه این شاعران در این عرصه چه بوده؟

۳. آیا تلاش‌های آنان نتیجه‌بخش بود؟

پاسخ داده شود.

با روش توصیفی تحلیلی منابع آرشیوی مرتبط، به نظر می‌رسد شاعران حزبی در مشهد، هم در قالب یک مأموریت تشکیلاتی و هم در پی آرمان‌های اجتماعی شخصی، اشعاری در حوزه شعر کارگری سروده‌اند و چندین محور اصلی مانند ۱. همدردی با رنجبران با توصیف سختی‌های زندگی آنان؛ ۲. تلاش برای ترغیب آنان برای کنارگذاشتن موانع آگاهی و آزادی از جمله تقدیرگرایی و سکوت؛ ۳. تشویق برای برپایی انقلاب؛ ۴. ضمانت کمک حزب توده در این مسیر را به رشته نظم درآورده‌اند. هرچند با توجه به فضای سنتی خراسان، همراهی کارگران با آنان چندان قابل توجه نبود.

تاریخچه حزب توده مشهد

حزب توده در خراسان به اذعان اسناد و مطبوعات باقی مانده، در تاریخ سیاسی اجتماعی این استان به لحاظ کثرت اعضا، ساختار تشکیلات و گستره فعالیت در رده‌های نخست قرار می‌گیرد. اوج این حضور پس از تشکیل رسمی آن از آغاز سال ۱۳۲۱ تا اواخر سال ۱۳۲۵ بود. در این سال‌ها حزب توده توانست از بازیگران تأثیرگذار مشهد باشد. ساختار آن شامل کمیسیون‌های تشکیلات، مالی، تفتیش، ورزشی و مبارزه با بی‌سوادی بود. اعضای مهم حزب توده همچنین از گردانندگان اصلی «جبهه آزادی خراسان» نیز بودند (جلالی، ۱۳۹۴: ۲۷۳).

از تحولات مهم حزب در مشهد شرکت در انتخابات بود که طی آن (راستی، ۱۳۲۲/۶/۱۲: شماره ۴۱) دو تن از اعضای برجسته کمیته یعنی محمدپروین گنابادی از سبزوار و شهاب فردوس از تون و فردوس به مجلس راه یافتند. دیگر رویداد مهم حزب توده مشهد قیام افسران خراسان بود که چنانچه گفته می‌شود نه حزب توده و نه شوروی با آن موافق نبودند. هدف این قیام ایجاد هسته‌های پارتیزانی برای وادار کردن مردم و حزب به حرکت بود، اگرچه سرکوب گردید (تفرشیان، ۱۳۶۷: ۶۳-۶۱؛ کیانوری، ۱۳۷۱: ۱۰۶؛ خامه‌ای، ۱۳۶۲: ۱۷۵).

بزرگداشت مناسبت‌های ملی-مذهبی از فعالیت‌های حزب توده مشهد بود، چراکه هم در پی اثرگذاری مذهب بر مخیله اعضای حزب (محرم‌خانی و عنبرمو، ۱۳۹۳ الف: ۱۳۶) و هم

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۴، شماره ۶۴، زمستان ۱۴۰۳ / ۱۰۵

دستور کمیترین مبنی بر تطابق با حیات جامعه، رگه‌هایی از این اهمیت و احترام دیده می‌شود. حزب توده مشهد همچنان که اعضای کادر مرکزی خود را مسلمان اعلام کرده و تضاد با مذهب را برای خود تهمت می‌خواندند (محرم‌خانی و عنبرمو ۱۳۹۳: ب: ۱۴۳)؛ مناسبت‌هایی مانند میلاد امام علی (ع)، محرم، نیمه شعبان (اعترافات سران حزب توده ایران، ۱۳۷۵: ۹۱)، سال‌روز مشروطه (راستی، ۱۳۲۵/۵/۱۵: شماره ۳۶۰) و جشن مهرگان (راستی، ۱۳۲۵/۷/۱۴: شماره ۳۸۰: آزادی، شماره ۲۳۶۶) را برگزار می‌کردند. حزب توده مشهد چندین میتینگ بزرگ برپا کرد و دارای روزنامه ویژه خود یعنی «راستی» بود. انجمن موسیقی، هیئت تئاتر، چاپخانه و پزشکان وابسته به خود نیز داشت (جلالی، ۱۳۹۴: ۲۵۳).

کارگران از اعضای مهم حزب توده مشهد بودند که حزب تمرکز زیادی برای امورات آنان صرف می‌کرد که در مطالب پیش رو اشاره خواهد شد. از دیگر گروه‌هایی هدف، دانش‌آموزان بودند. «سازمان جوانان توده» متولی اصلی این حوزه بود (راستی، ۱۳۲۲/۲/۲۵: شماره ۱۱: ۳). حزب توده مشهد همچنین توانست میان نظامی‌ها نفوذ کند که قیام افسران خراسان ماحصل آن بود و پیامدهایی نیز برای سایر نظامیان ایجاد کرد (جلالی، ۱۳۹۴: ۲۷۱). حزب با راهپیمایی حضور پر قدرت حزب بلافاصله با خروج ارتش شوروی از مشهد به ناگهان اُفت کرد و مبارزه مذهبی‌ها و ارگان‌های دولتی علیه آنان سبب رکود بی‌سابقه از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ شد.

حزب توده مشهد در سال‌های نهضت ملی نفت با تشکل‌های اقماری مانند «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» (ساکما، ۱۳۳۱: ۲۹۳/۵۶۹۱) به فعالیت پرداخت، هرچند دیگر احزاب و نیروهای دولتی با آنان تقابل شدید نشان دادند (نور ایران، ۱۳۳۱: شماره ۱۶۷). پس از کودتای ۲۸ مرداد اکثر اعضای حزب دستگیر شده و ندامت‌نامه نوشتند (پویان، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۶۳). مرحله سوم حیات حزب توده مشهد در سایه آزادی‌های سیاسی پس از انقلاب اسلامی رقم خورد و بیشتر میان دانشجویان و دانش‌آموزان نفوذ یافت، اما هیچ‌گاه دوره شکوه آن یعنی سال‌های دهه بیست تکرار نشد.

شاعران توده‌ای مشهد

گردانندگان «کمیته ایالتی حزب توده خراسان»، بیشتر اهل شعر و ادب بودند: پروین گنابادی، باقر عاملی، ناصر عاملی، شهاب فردوس، علی اصغر معینان، مهدی پارسی، علینقی ربانی. آنان مفاهیم مورد نظر حزب توده و برنامه‌های آن را در اشعار خود منعکس می‌کردند که در بیشتر مراسم‌های حزب، توسط خودشان قرائت می‌شد (الهی، ۱۳۸۲: ۶۲). محمد پروین گنابادی مشهورترین چهره آنان، متولد گناباد و بزرگ‌شده مشهد بود. او سابقه فعالیت‌های سیاسی در

دوران رضاشاه را داشت و به‌همین دلیل طی سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۸ چندبار به زندان افتاد. او مدتی نیز دروس حوزوی خوانده بود. پروین‌گنابادی دبیر و سپس رئیس دانشسرای دختران مشهد شد و با ورود به حزب توده خراسان، شخص اول آن شد.

او در سال ۱۳۲۲ و دوره چهاردهم، از سبزوار به نمایندگی انتخاب شد. در سال ۱۳۲۳، مسئول کمیته تبلیغات کادر مرکزی حزب توده شد، اما پس از وقایع آذربایجان، پیوند خود با حزب را گسست و در نشست آینده آن به‌دلیل کم‌کاری اخراج شد (قدیمی توکلی، ۱۳۷۹: ۳۰۴ و ۲۰۳).

ولی‌الله شهاب فردوس نیز از دیگر چهره‌های ادبی حزب، اصالتاً اهل فردوس بود که به مشهد عزیمت کرد. شهاب فردوس مشاغل مختلفی را پشت سر گذاشته بود: معلمی نظام، قضاوت، معلمی در فرهنگ خراسان و آذربایجان، ریاست فرهنگ خراسان، عضویت در لغت‌نامه دهخدا، استاد ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات مشهد و سرانجام ریاست دفتر آستان قدس رضوی. شهاب فردوس در سال ۱۳۴۷ از دنیا رفت (گلشن‌آزادی، ۱۳۷۳: ۳۳۶). معهود اشعار سیاسی و حزبی او تمجید از شوروی است. محمدتقی شریعتی (پدر دکتر علی شریعتی)، ترقی شهاب فردوس را پس از عضویت او در حزب توده و حمایت آنان می‌داند (پژوم، ۱۳۷۰: ۹۰).

شهاب فردوس گویا دارای عقاید تند حزب توده نبوده و در ماجرای آذربایجان به عملکرد حزب انتقاد داشته است. او در زندگی‌نامه خود با عنوان «پایان حیرت»، هیچ اشاره‌ای به عضویت خود در حزب توده نکرده که می‌تواند نشانگر پشیمانی از آن دوران باشد.

دیگر شاعر مجذوب حزب توده مشهد، علی‌اصغر معینیان رئیس اوقاف خراسان بود. او با حفظ این سمت، در دوره ریاست شهاب فردوس بر فرهنگ خراسان، معاون اداره کل فرهنگ خراسان شد. معینیان مسئول کمیسیون مالی حزب بود (قدیمی توکلی، ۱۳۷۹: ۶۲). او از موارد جالب برای مطالعه نحوه نفوذ حزب در میان مقامات استان خراسان است. از سرانجام او اطلاعی در دست نیست. علینقی ربانی دیگر شاعر توده‌ای، وکیل دادگستری بود که علی‌رغم معتقدات ضعیف مذهبی، در کار خود درستکار بود و به‌دلیل عضویت در حزب توده، مدتی به زندان افتاد (گلشن‌آزادی، ۱۳۷۳: ۲۵۰).

ناصر عاملی برادر کوچک باقر عاملی (مدیر روزنامه راستی و دوست احسان طبری و صادق هدایت)، پسر دکتر حسن عاملی بود. او در زمان تحصیل در دبیرستان به حزب پیوست و بیشتر اشعار چپ او متعلق به همان دوران می‌باشد. پس از کودتای ۲۸ مرداد مدتی به زندان افتاد، اما تا مدت‌ها بر سر عقاید خویش ایستاد. عاملی صاحب یک کتاب‌فروشی در مشهد بود

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۴، شماره ۶۴، زمستان ۱۴۰۳ / ۱۰۷

(گلشن آزادی، ۱۳۷۳: ۵۶۱). غلامرضا سلماسی دیگر شاعر حزبی بود که به جز ریاست او بر کمیسیون تفتیش حزب توده مشهد از زندگی او اطلاعی در دست نیست (راستی، ۱۵۰: ۲). شرح دکلمه‌های هیجانی اشعارش نیز در مراسم‌های حزب توده در روزنامه راستی ثبت شده است (راستی، ۱۰۳: ۳).

سلماسی پس از حمله به دفاتر حزب توده مشهد در زمستان ۱۳۲۵، به جنوب کشور رفت و گویا در سازمان‌های کارگری خوزستان مشغول شد (قدیمی توکلی، ۱۳۷۹: ۲۰۳). دکتر حسن شهیدی از اعضای حزب توده بود که علاوه بر برقراری مطب مجانی حزب، در انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی نیز عضویت داشت و از سخنرانان مباحث پزشکی آن به شمار می‌آمد. از محمد مصدق دیگر عضو باند پایه حزب توده مشهد نیز به جز شغلش که مهندس بوده و نامه‌اش مبنی بر براءت از حزب توده (ندای خراسان، ۲۹: ۳) و نیز درباره مهدی پارسى اطلاعی نداریم. از این میان ناصر عاملی و معینیان در دادگاه نظامی محکوم شدند (جلالی، ۱۳۹۴: ۲۷۳). منفوربودن مرام کمونیسم و تضادهای آن به‌ویژه با اسلام و نیز ضدیت حکومت پهلوی با آن از دلایل اصلی فراموشی این شاعران حزبی است.

شاعران چپ‌گرا را می‌توان به دو دسته آفریننده وابسته و تشکیلاتی و آفریننده مستقل تقسیم کرد: آفریننده وابسته در دورانی مجال آفرینش می‌یابد که شرایط برای حضور رسمی ساختار مارکسیستی اعم از دولت یا حزب فراهم باشد. برای مثال می‌توان از شاعران حزبی در شوروی و افغانستان تحت حکومت مارکسیستی نام برد. آفریننده مستقل، در برهه‌هایی که نشانی از حیات رسمی تشکیلات مارکسیستی وجود ندارد منادی آرمان‌ها و نگرش‌ها می‌شود (گلدمن، ۱۳۷۶: ۲۶۰). شاعران چپ‌گرای مشهد طی سال‌های مورد بررسی جزو دسته اول بودند که نمونه آن‌ها در میان شاعران توده‌ای کمتر یافت می‌شود.

آن‌ها با زبان عریان سیاسی به تشریح مواضع حزب پرداخته‌اند. اشعار این شاعران را که برخی از آن‌ها گمنام هستند و اثری از آن‌ها به طبع نرسیده، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. اشعاری در ستایش از شوروی که غالباً در روزنامه/خبر تازه‌روز، ترجمان مطبوعاتی کنسولگری شوروی در مشهد به چاپ رسیده است،

۲. اشعار کارگری،

۳. اشعار موضع‌گیری در تحولات داخلی.

دو دسته اخیر غالب حجم اشعار این شاعران را تشکیل می‌دهد که به‌طور کامل در روزنامه راستی به چاپ رسیده است. راستی، پس از توقیف روزنامه اردیبهشت، تریبون رسمی کمیته ایالتی حزب توده خراسان بود. این روزنامه به مدیرمسئولی محمد پروین گنابادی از سال ۱۳۲۱

تا ۱۳۲۵ منادی اهداف و آرمان‌های حزب توده مشهد بود. هیئت تحریریه، اعضای اصلی حزب بودند که اغلب در زمره چهره‌های فرهنگی شهر محسوب می‌شدند. راستی‌الگوی کوچک از روزنامه‌های مرکزی حزب مانند «مردم» بود که وام‌گیری‌های بسیاری در ظاهر و محتوا از آنان داشت.

مقالات ایدئولوژیک خود را نیز گاهی از ترجمان‌های مطبوعاتی احزاب مارکسیست در دیگر نقاط جهان مانند *پراودا* (Pravda) به معنای راستی که نام روزنامه به تقلید آن انتخاب شده) مهم‌ترین روزنامه شوروی اقتباس می‌کرد که اشعار مارکسیستی جزئی از آن بود. راستی اصلی‌ترین منبع اطلاعاتی از ساختار تشکیلاتی، فعالیت‌های حزب توده مشهد و رویکردهای آن در سال‌های مورد نظر است که علی‌رغم لزوم احتیاط در بهره‌گیری از آن و مقابله با دیگر منابع، همچنان منبعی مهم در بررسی حیات این حزب است.

اگرچه تطبیق با سایر منابع، بیشتر در حوزه فعالیت‌های بیرونی حزب توده مشهد مقدور است و در مورد اطلاعات مربوط به تشکیلات حزبی، راستی همچنان تنها منبع است. حتی آگاهی ما از وجود این اشعار نیز متوقف بر این روزنامه است و به‌ندرت می‌توان از آن‌ها در جایی دیگر سراغ گرفت که خود از سختی‌های این پژوهش بود. پس از توقف انتشار آن، سکوت اطلاعاتی شدیدی در مورد حزب توده مشهد برقرار شده و خبرگیری از آنان محدود به اسناد دستگاه‌های دولتی از جمله نیروهای نظامی است.

کمیته ایالتی حزب توده خراسان و طبقه کارگر

حیات اصلی چپ در ایران که با شکل‌گیری حزب توده بعد از سقوط رضاشاه در مهرماه ۱۳۲۰ آغاز شده بود رویکرد ملی‌گرایانه و نه مرام کمونیستی را به توصیه کمیترین (مخفف عبارت روسی اتحادیه احزاب کمونیست جهان)^۱ اتخاذ کرد (خامه‌ای، ۱۳۶۲: ۱۷). دلایل این کار پابرجابودن قانون منع فعالیت‌های مرام اشتراکی مصوب سال ۱۳۱۰ و عدم تناسب کمونیسم با شرایط ایران بود (طبری، ۱۳۶۶: ۴۳). از آنجا که این حزب نیز مانند دیگر سازمان‌های چپ از اقرار حزب کمونیست شوروی بود و طبق دستورالعمل‌های آن عمل می‌کرد، توجه به کارگران را در اولویت خود قرار داد.

استالین جنبش‌های کارگری در تمام جهان را به نوعی ابزار تحقق قدرت شوروی می‌دید، چراکه در صورت پیروزی و تشکیل حکومت‌های مارکسیستی، طبق‌الگوی وابستگی تشکیلاتی - ایدئولوژیکی به شوروی، آن‌ها به اهرم قدرت این کشور بدل می‌شدند

(کولایی، ۱۳۷۶: ۶۰).

کارگران در منظومه فکری چپ‌گرایان نقش مهم و محوری دارند. براساس پنج مرحله مورد نظر مارکسیسم، کارگران واسطه عبور مرحله چهارم به مرحله نهایی تاریخ یعنی کمون ثانویه هستند (قدسی‌زاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۲). در غالب تفاسیر متفاوت چپ، اهمیت ویژه این قشر دیده می‌شود. حزب توده ایران نیز به این طبقه نگاه ویژه‌ای داشت و برای بهبود وضعیت معیشت آنان تلاش‌های زیادی انجام داد و در برخی موارد توفیق‌هایی نیز به دست آورد. توجه به کارگران و متشکل کردن آن‌ها دستور حزب به تمام کمیته‌های ایالتی و از جمله کمیته ایالتی خراسان بود.

البته در خراسان امکان شکل‌گیری جنبش کارگری قوی وجود نداشت. از نگاه فعالان توده در خراسان، کم‌بودن این گروه در استان، از عوامل اصلی ضعیف‌بودن آهنگ رشد حزب بود. تعداد کارگران صنایع جدید و سنتی خراسان در سال ۱۳۲۵، تنها پنج‌هزار نفر بود (راستی، ۱۳۳۱: ۲) که معلول شرایط خاص استان خراسان بود. اقتصاد خراسان تا حد زیادی اقتصاد کشاورزی بود و حرکت به سمت صنایع تبدیلی در دستور کار قرار نداشت. ناکافی‌بودن صنایع دولتی و عدم حضور بخش خصوصی در صنایع، سرمایه‌ها را به سمت الگوی تجارت مواد خام سوق داده بود.

وفور کالاهای روسی با قیمت تمام‌شده مناسب و حاشیه سود مطلوب از عوامل بی‌میلی سرمایه‌داران خراسانی برای ورود به عرصه سرمایه‌گذاری تولیدی و صنعتی بود. خراسان در طول تاریخ مسیر مهم تجارتي ایران بود، اما در دوره مورد بررسی اثری از تجارت پررونق با شرق وجود نداشت. همسایگان خراسان یا افغانستان بود که دوران پرآشوب سیاسی را می‌گذراند یا شوروی بود که در نزدیکی مرزهایش با خراسان صنایع قابل توجهی نداشت.

حزب توده مشهد تلاش برای متشکل کردن کارگران موجود و بهبود شرایط آنان را در دستور کار قرار داد. بازوی اجرایی حزب توده در این زمینه «شورای ایالتی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان خراسان» نام داشت که زیرمجموعه‌های بسیاری مانند اتحادیه کفاشان، اتحادیه درشکه‌چی‌ها، اتحادیه قالیباف‌ها، اتحادیه کارگران سینما، اتحادیه هنرپیشگان، اتحادیه رانندگان (کمام، ۱۳۲۳/۹/۲۷: ۲-۲۲۳۶۳/۱۲)، اتحادیه رانندگان بیکار (کمام، ۱۳۲۳/۸/۹: ۲-۲۲۳۶۳/۱۰) اتحادیه کارگران ساختمانی و اتحادیه کارگران بیمارستانی (راستی، تک‌شماره ۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۶۵) داشت.

دبیرخانه این شورا همواره پذیرای مراجعان خود بود. شورا با پشتکار و البته به مدد فضای توده‌ای حاکم بر کل این حوزه، توانست به‌عنوان مدعی جنبش کارگری در مشهد مطرح شود.

هرچند باید در نظر داشت حتی صحبت از جنبش کارگری در کارخانه‌های مشهد نیز از نتایج فعالیت‌های این حزب بود. شورای ایالتی علاوه بر برنامه‌های گسترده‌ای که از طریق هسته‌های کارگری در کارخانه‌های مشهد پیگیری می‌کرد، از سایر کارگران در قسمت‌های مختلف که تحت پوشش این شورا نبودند نیز می‌خواست پیگیری امورات و شکایات خود را به آنان بسپارند (راستی، ۲۸۹: ۳).

به محض تشکیل اولین هسته کارگری در یکی از مشاغل، حزب به کمک آن رفته و با تبلیغ در روزنامه حزب از دیگر شاغلان آن حوزه می‌خواست به آن بپیوندند (راستی، ۳۱۹: ۲). با همین تبلیغات بود که بسیاری از کارگران، درخواست‌ها و شکایات خود را به دفتر روزنامه می‌آوردند (راستی، ۱۴۱: ۴). شورای ایالتی با بازوهای خود در کارخانجات مختلف به زعم خود تلاش بسیاری برای بهبود وضعیت کار و معیشت کارگران انجام می‌داد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اقدامات آن‌ها برای اجرایی شدن بیمه کارگران کارخانجات روغن تمیز، سنگبری، آرد جین، شرکت نوش، کارخانه عمواوغلی و نه کارگاه بزرگ قالی بافی اشاره کرد (راستی، ۱۸۰: ۲).

این شورا همچنین توانست با مذاکره با صاحبان این کارخانه‌ها، موافقتشان برای تعطیلی روز جهانی کارگر را اخذ کند. هزینه‌های شورای ایالتی از محل کمک‌های اعضا تأمین می‌شد. به جز این، در برخی مواقع طرح‌های فوق‌العاده مانند اهدای یک روز کاری از سوی کارگران برای پیشبرد اهداف و اقدامات تشکیلات کارگری اجرا می‌شد. اقدامی که از سوی حزب مورد تقدیر قرار گرفته و اسامی آن کارگران در راستی منعکس می‌شد (راستی، ۳۰۹: ۲). مقررات حزبی در اتحادیه کارگری نیز برقرار بود که یکی از آن‌ها محکمه حزبی برای بررسی صلاحیت فرد جهت عضویت در این اتحادیه بود. موارد خلاف مرام‌نامه توسط هیئت عامله بررسی می‌شد و بودند افرادی که اخراج می‌شدند (راستی، ۳۲۱: ۳). مسئول اتحادیه‌های کارگری مشهد، حسین مشکینیان بود (مشکینیان، مصاحبه: ۱۳۸۷). مشکینیان نماینده اتحادیه کارگری خراسان هنگام ورود لویی سایان چهره مشهور کارگری آن روز به ایران بود (راستی، ۱۸۰: ۲).

حضور این اتحادیه به‌ویژه در میان کارگران کارخانه نخریسی و برق خسروی بسیار پررنگ بود. تعداد زیادی از اعضای توده‌ای کارخانه نخریسی، ایرانیان بازگشته از شوروی بودند. این امر یعنی آشنایی آن‌ها با نظام شورایی و مارکسیسم، نقش مهمی در پیوستن آن‌ها به حزب توده داشت (باروچی، مصاحبه: ۱۳۸۹). حضور قوی حزب، نگرانی مدیران و مسئولین دولتی استان و همچنین متولیان مذهب را در پی داشت. رؤسای این کارخانه‌ها از سوی شهربانی و لشکر

خراسان برای جلوگیری از فعالیت اتحادیه کارگران تحت فشار قرار گرفتند که با واکنش اتحادیه روبه‌رو شد (راستی، ۲۹۰: ۱).

از کسانی که در مقابله با نفوذ حزب توده در میان کارگران جدید نشان داد محمود فرخ شاعر مشهدی بود. او که پست مهمی در آستان قدس داشت، پس از ارسال پیام تبریکی به استالین، مورد غضب دربار قرار گرفت و موقعیت خود را از دست داد. دوستان او برای جبران، به او پیشنهاد دادند علیه حزب توده فعالیت کند. فرخ به ریاست کارخانه نخریسی رسید و اقدامات سرسختانه‌ای در مقابله با حضور توده و اتحادیه انجام داد (مشکینیان، مصاحبه، ۱۳۸۷). تشکیلات کارگری حزب توده مشهد در میان زنان نیز وجود داشت. علاوه بر موارد عمومی مانند تقلیل ساعات کاری به ۸ ساعت، تعطیلی جمعه، بیمه و صندوق تعاون، وجود مواردی مانند ایجاد کودکانستان در کنار واحدهای کارخانه‌ای و برابری حقوق زن و مرد، در جذب زنان مؤثر بود (قدیمی توکلی، ۱۳۷۹: ۸۸). رئیس تشکیلات «زنان زحمت‌کش خراسان» رخساره جوان بود (راستی، ۳۸۰: ۴).

اتحادیه کارگران در برنامه‌های عمومی کمیته ایالتی حزب شرکت می‌کرد. از جمله در سال‌روز بزرگداشت ارانی حضور یافت (راستی، ۳۰۳: ۱). نام این اتحادیه در میان امضاکنندگان پیام تبریک برای استالین نیز دیده می‌شود (اخبار تازه روز، ۲۲۷: ۱) بزرگ‌ترین مانور این اتحادیه برگزاری جشن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر بود که جزو کم‌نظیرترین اجتماعات غیردینی مشهدی‌ها به حساب می‌آمد. جمعیت چندده‌هزار نفری به میدان آمده، قدرت این اتحادیه را نشان می‌داد (راستی، ۳۲۴: ۴).

شاعر حزبی و قدرت شعر
در کنار تلاش‌های کمیته ایالتی و اتحادیه‌های کارگری، شاعران حزبی نیز به مدد آن‌ها آمدند و از قدرت شعر برای تبلیغ و ترویج آرمان‌های آن استفاده کردند. اشاره به این نکته در اشعار این شاعران خود را نشان داده است؛ از جمله، ناصر عاملی که هنوز مشغول تحصیل در دبیرستان بوده و نقش محوری در انجمن ادبی دبیرستانش داشت اشاره کرده از شعر که قدرت شمشیر دارد و در مسیر مبارزه استفاده می‌کند:

خامه‌ات ناصر کند کار سنان و تیغ و خنجر تا تو را طبعی چنین جوشان و آتشبار باشد
(راستی، ۲۲۲: ۲)

پیشه من شاعری نبود، برای محسو ظلم خامه را در کار بندم چون به کف شمشیر نیست
(راستی، ۲۰۱: ۳)

معینان دیگر شاعر توده‌ای آورده:

بس لؤلؤ تر تراود از کلکم زیبا سخن است بس فراوانم
پوسیده درخت ارتجاعی را از قدرت کلک خود بلرزانم
قدرتی که برای خدمت به توده به کار خواهد بست:
در خدمت توده رایگان کردم این طبع بلند گوهرافشانم
من مظهر فکر و منطق خلقم چون شاعر توده‌های ایرانم
(راستی، ۱۹۳: ۱)

این شاعران توده‌ای، دیگر شاعران را نیز برای به‌کارگیری این سلاح مؤثر برای آرمان‌های حزب دعوت می‌کنند. یکی از آنها ابوالقاسم حبیب‌اللهی متخلص به نوید است که پس از چاپ کتاب شعرش با عنوان «ارمغان نوید» توسط مجید فیاض از اعضای مؤثر کمیته ایالتی خراسان دعوت به حضور در این عرصه می‌شود تا برای حفظ وطن در شرایط مبارزه سکوت نکرده و از قریحه شعری‌اش در راه وطن استفاده کند.

ای نوید ای به شاعری استاد ای که در شعر می‌کنی بیداد
بعد از این دوره مبارزه است گر نچنگی وطن رود از دست
تو چرا در این مبارزه بی‌طرفی؟ نگزینی برای خود هدفی
حیف از این علم و ذوق و سخن که نباشد در اختیار وطن
(راستی، ۳۷۲: ۲)

جایگاه محوری کارگر

گفته شد که کارگر و رنجبر نقش بسیار مهمی در منظومه تفکرات مارکسیستی دارد. این کارگران هستند که با آگاهی از وضعیت و قدرت خود اقدام به برپایی انقلاب کرده و مالکیت را از میان می‌برند. آن‌ها معماران مرحله نهایی تاریخ از نگاه مارکسیسم هستند که در آن عدالت به تمامی اجرا شده و ظلم و ستم به پایان خواهد رسید (توسلی، ۱۳۸۸: ۸۶ و ۸۵) منبعث از چنین تفکر حزبی، شاعران چپ‌گرای مشهد نیز به کرات به نقش محوری رنجبر اشاراتی کرده‌اند. رنجبرانی که آبادانی، ثروت و عمده مظاهر تمدنی بشر نتیجه تلاش آن‌هاست:

هستی دنیا گروگان وجود رنجبر جمله آثار تمدن یادگار کارگر
(راستی، ۷۵: ۱)
از کارگر دهقان آباد بود گیتی وز رنجبر عریان زیبای هر گلشن
(راستی، ۴۴: ۱)

ای برزگر خجسته گوهر تو شمع وجود را سنایی
(راستی، ۳۱۷: ۱)

از زحمت تو کارگرا ملک شد بهشت لیکن از این بهشت تو را نیست سهم و بر
(راستی، ۵۱: ۱)

گیتی ز تو سبز و شاد و خرم ثروت ز تو می شود فراهم
(راستی، ۳۱۷: ۱)

و گاهی این نگاه می تواند با نگاه دینی به این قشر نیز در پیوند باشد:

ای زارع مستمند مضطر تو مظهر قدرت خدایی
(راستی، ۳۱۷: ۱)

توصیف زندگی رنجبران

این طبقه نه تنها در ایران بلکه در بسیاری نقاط جهان وضعیت مناسبی نداشت. دسترنج آن‌ها به روش‌های گوناگون به یغما می‌رفت. به خصوص این که ایران در آن سال‌ها دستخوش مصائب ناشی از اشغال کشور از جمله، فقر، قحطی، بیماری و ناامنی بود. مصائب این رنجبران بخش مهمی از شعر شاعران توده‌ای را تشکیل داده است. چنانچه از اخبار روزنامه راستی برمی‌آید این اشعار که در وصف حال بسیاری از مردم بود، با توجه بسیاری روبه‌رو می‌شد و در ارتقای آگاهی آنان نقش مهمی ایفا می‌کرد.

توصیف زندگی سخت اقشار فرودست جامعه و به اصطلاح حزب، «رنجبر»، بخش مهمی از محتوای اشعار کارگری مندرج در روزنامه راستی را شامل می‌شود. فرودستانی که در سختی فصل‌های سال با زحمت و رنج تحت ستم اربابان کار می‌کنند؛ ولی همچنان با فقر، بیماری و گرسنگی مواجه هستند:

در تیره کلبه‌ای مرطوب و تنگ و تار درهم شکسته سقف، صد رخنه بر حصار
پر تار عنکبوت تاریک همچو غار (راستی، ۲۹۱: ۱)

پارسی:

چهره‌اش پر چین و پشتش چون هلال
سختی سرما و گرما یک طرف
رنجش از ارباب و آقا یک طرف
یک طرف رنج و ملال زندگی
وز شفقت کودکانش جان دهند
چهره‌اش آلوده با گرد ملال
زحمت پایین و بالا یک طرف
فقر و بیماری و غوغا یک طرف
یک طرف افسرده حال از بندگی
جان برای یک دو قرص نان دهند
(راستی، ۲۵۷: ۲)

عاملی:

نیست اندر سفره‌ تو ذره‌ای نان در عوض آرد دارد محتکر بی حد و مرای کارگر
طفل مسکین تو می‌خوابد به روی سنگ و خار خواجه دارد زیر سر بالش ز پر ای کارگر
(راستی، ۲۰۳: ۲)

ربانی:

هست انبانت تهی از توشه، عربان پیکرت روزگارت سربه‌سر باشد خراب ای رنجبر
(راستی، ۱۴۱: ۱)

مبارزه با بی‌خبری و تقدیرگرایی

البته باید متذکر شد که صحبت از این نگون‌بختی‌ها در بیشتر این اشعار از دو سه بیت تجاوز نمی‌کند و بخش بیشتری به تحریک آن‌ها برای حرکت، اختصاص یافته است. به موجب نظریه‌مارکسیستی، پرولتاریا باید دیربازود به وجود خود و قدرت خود آگاهی یابد (گرز، ۱۳۶۳: ۴۸). متون رسمی حزب توده و از جمله مرام‌نامه آن نیز حاوی دعوت‌های مکرر از کارگران و رنجبران برای اتحاد و حرکت است (اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران، ۱/۱۳۲۵: ۲۴۰-۲۵۱). این شعرا گاه به طبقه رنجبر نهیب می‌زنند که باید از غفلت و بی‌خبری دست بکشد، چرا که بی‌خبری او باعث ثروت انبوه مالک و سرمایه‌دار شده است. این شاعران از کارگران می‌خواهند در زمانه‌ای که مردمانش آگاه شده‌اند برای بهبود وضعیت آینده خود هوشیار شوند. معینان:

وضع تو چنین و او چنان است این گونه تو بی‌خبر چرایی؟

(راستی، ۳۱۷: ۱)

شهیدی:

آری ز سیم و زر بکند جیب خویش پر تا مالک است قادر و دهقان بی‌خبر
(راستی، ۵۱: ۱)

مصدق:

به غفلت بگذرانی تا به کی روز و شب خود را به دنیایی که چشم مردمش بیدار می‌باشد
(راستی، ۴۰: ۱)

عاملی:

گذشت قافله از ما و آفتاب دمید بس است خواب‌گران ترک خواب باید کرد
(راستی، ۱۹۶: ۱)

بیدار اگر نگشتی از این خواب می شود حالت به سال آتیه ز امسال هم بتر

(راستی، ۵۱: ۱)

از گام های هم راستا با هدف قرار دادن بی خبری آن ها، دعوت به ترک نگرش تقدیری جایگاه آنان است. به باور شاعران توده ای مشهد یکی از خصلت هایی که اقشار رنجبر ایران را در رخوت فرو برده اعتقاد آنان به تقدیر الهی است: این که در جایگاهی که ایستاده اند خواست و تقدیر الهی بوده و تلاش برای برون رفت از آن نتیجه بخش نخواهد بود. اعتقادی که مورد استقبال ارباب سرمایه قرار می گیرد و تقویت می شود (راستی، ۴۴: ۱؛ ۲۱۷: ۴). عاملی:

ذلت و غم حاصل وضع محیط بد بود ورنه از بدبختی و از طالع و تقدیر نیست

(راستی، ۲۰۱: ۳)

به دست توست همه سرنوشت زندگی ات خلاف و یاه بود این که دست تقدیر است

(راستی، ۱۲۱: ۳)

شاعران توده ای از رنجبران می خواهند دست از گله و شکایت بردارند، چون از این کار چیزی عایدشان نمی شود. این شاعران بارها در اشعارشان آورده اند کسی که چنین وضعیتی را تحمل می کند، اما تنها واکنش او شکوه و ناله است در بخشی از ستمی که به او می رود، شریک است. عاملی:

محو ستم به شکوه چو ممکن نمی شود نادان کسی که ناله و فریاد می کند

(راستی، ۳۶۷: ۱)

توده باید پی برد کز بهر محو جهل و فقر ناله و فریاد و غم را ذره ای تأثیر نیست

(راستی، ۲۰۱: ۳)

شکوه و افغان گره از کار کس نگشوده است نیست اندر ناله و زاری اثر ای کارگر

(راستی، ۲۰۳: ۲)

نزد من نبود اهل ظلم را تقصیر ز آن که می کشد او بار ظلم تقصیر است

(راستی، ۱۲۱: ۳)

از پرکاربردترین مفاهیم به کاررفته در اشعار این شاعران، دعوت از رنجبران برای حرکت است. حرکت و مبارزه ای که حتماً دشواری هایی خواهد داشت، اما برای رهایی از تحقیرهای تحمیل شده لازم است. محمد مصدق:

زبونی می کشی تا کی؟ به پستی چند می مانی؟ برای رادمرد این زندگانی عار می باشد

تلاشی کن به دست آور حقوق حقه خود را اگرچه طی این ره اندکی دشوار می باشد

(راستی، ۴۰: ۱)

ربانی:

ای توده ز خواب ناز برخیز با دشمن خویشتن درآویز
(راستی، ۴۵: ۱)

عاملی:

بگو به رنجبر ملک جم که از این پس ره مبارزه را انتخاب باید کرد
(راستی، ۱۹۶: ۱)

لزوم برپایی انقلاب

منظور حزب توده از حرکت اقشار فرودست جامعه برطبق نظریات مارکسیستی، انقلاب بود. از نگاه مارکس، تضاد میان کارگران با کارفرما و سرمایه‌دار درنهایت به انقلاب منجر خواهد شد (توسلی، ۱۳۸۸: ۸۶). صرف نظر از تفاوت‌های بنیادین جامعه ایران با جوامع صنعتی و سرمایه‌داری موردنظر مارکس، طبق تفسیر روسی از مارکسیسم، می‌توان و می‌شد جوامع را بدون گذر از بروز انقلاب صنعتی و سرمایه‌داری، تشویق به انقلاب کرد. شاعران چپ‌گرای مشهد نیز براساس این تعالیم، فرودستان را به انقلاب تشویق می‌کردند و آن را تنها راه پایان سازوکار حکومت‌های ظالم و معادلات غیرعادلانه در حق رنجبران می‌خواندند. گروه‌های چپ اصولاً به انجام حرکت‌های تند و انقلابی به‌جای اصلاح و رفرم باور دارند. عاملی:

برای رفع ستم ناصرا گروه ستم‌کش مسلم است رهی غیر از انقلاب ندارد
(راستی، ۲۲۴: ۳)

وز این جهت که شود خانه ستم ویران به کهنه کشور جم انقلاب باید کرد
(راستی، ۱۹۶: ۱)

ربانی:

بهر محو این حکومت‌های ناهنجار پست علوچاره‌ای نبود به غیر انقلاب ای رنجبر
(راستی، ۱۴۱: ۱)

انقلابی که به طور حتم رخ خواهد داد و پیروزی از آن رنجبران خواهد بود. عاملی:
در جنگ برای محو سرمایه پیروزی صنف تو بود روشن
(راستی، ۲۴۱)

حبیب‌اللهی:

چرخ بر کام دل کارگران خواهد شد لشکر داد به بیداد ظفر خواهد شد
(راستی، ۳۶۳: ۱)

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۴، شماره ۶۴، زمستان ۱۴۰۳ / ۱۱۷

اتحاد یکی از بسترهای ضروری انقلاب نیز از چشم شاعر توده‌ای مشهد برکنار نبوده است. عاملی:

نابودی ظلم می‌شود ممکن با قدرت اتحاد چون آهن
(راستی، ۲۴۱)

پروین گنابادی:

ای توده زحمت‌کش کس نیست به فکر تو برخیز گره کن مشت با وحدت چون آهن
(راستی، ۴۴: ۱)

ربانی:

ز اتحاد محکمت معدوم گردد ارتجاع افکنی در گردن دیوش طناب ای رنجبر
(راستی، ۱۴۱: ۱)

رسالت حزبی برای دفاع از رنجبران

حزب توده مدعی بود در راه مبارزه برای آزادی و دفاع از منافع طبقات زحمت‌کش گام برمی‌دارد و تنها حزب پیشرو در این زمینه است؛ از این رو از این اقبال می‌خواهد که تحت رهبری حزب توده به مبارزه برخیزند (راستی، ۱۳۲۴/۷/۲: ۲۵۷). این محتوا پربسامدترین محتوای اشعار کارگری این شاعران است.

پروین گنابادی:

بهر دفع ظلم و ناپاکی به حصن ما گرای حصن نیرومند ما حزب دلیر توده است
(راستی، ۱۰۶: ۱)

معینان:

برخیز ز جا و هم‌عنان شو با کارگران و حزب توده
بیدار و دلیر و سخت‌جان شو در رزم عادی ناسوتوده
(راستی، ۳۱۷: ۱)

هیچ کس را دل نمی‌سوزد به حال رنجبر هیچ کس نبود به فکر روزگار کارگر
غیر حزب توده ایران که از آغاز کار بوده است از جان و از دل غمگسار کارگر
(راستی، ۷۵: ۱)

مصدق:

برای کسب آزادی ز جا برخیز و جهدی کن در این ره حزب توده با تو دائم یار می‌باشد
(راستی، ۴۰: ۱)

در همین قالب ضمن حمله به نمایندگان مجلس (راستی، ۱۱۴: ۱) و به‌طور خاص نمایندگان مشهد از جمله کفایی، از کارگران می‌خواهد کاندیدای این حزب را به‌عنوان نماینده خود انتخاب و مجلس را از نمایندگان فاسد که سرچشمه بدبختی‌ها هستند، خالی کنند. ربانی: تا چند به بند قیل و قالی از خویش گزین نما و کیلی کز بهر تو باشد او مددکار پیوسته برای تو کند کار (راستی، ۴۵: ۱)

اشعار فراوانی نیز در اعلام آمادگی حزب توده و اعضای آن برای تحمل سختی‌ها و مصائب در راه آزادی این طبقه و دستیابی او به حقوق و جایگاهش سروده شده است؛ از جمله عاملی شاعر جوان و پرشور مشهدی با قاطعیت اعلام می‌کند برای رنجبران ایران زندان، تبعید و حتی ایثار جان را خواهد پذیرفت:

در راه نجات کارگر از غم من را نبود غم فنا گشتن
یا مسکن خویش گور می‌سازم یا قابل زیستن کنم مسکن
(راستی، ۲۴۱)

چون جان مرا ز نعمت دهقان بود به تن در راه او سزا بود از جان گذر کنم
(راستی، ۲۱۵: ۲)

عاملی:

بهر وصل شاهد زیبای آزادی مرا باک از تبعید و حبس و کشتن و زنجیر نیست
(راستی، ۲۰۱: ۳)

با تبلیغات دامنه‌دار حزب توده، ارگان‌های مطبوعاتی و نیز تحصن‌های موفق حزب، تثبیت این تصور که حزب توده تنها پشتیبان کارگران است تقویت می‌شد. از آن جمله شعری از اسماعیل زینوی یکی از پیشه‌وران مشهدی در روزنامه راستی به چاپ رسیده که شایان توجه است:

ای حزب توده گرمی پشت کسان تویی وی رنج توده، مایه عیش خسان تویی
پاینده باد نام تو و آرمان تو زیرا به توده رهبری و هم عنان تویی
ای توده همچو حلقه زنجیر گیر دست نگسل که در میانه فقط پشیمان تویی
(راستی، ۱۰۸: ۲)

تضاد کارگر-کارفرما

دوگانه کارگر-کارفرما، فقیر-ثروتمند و کارگر-سرمایه‌دار، یکی از مباحث بنیادین مارکسیسم

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۴، شماره ۶۴، زمستان ۱۴۰۳ / ۱۱۹

به شمار می‌رود (جزئی، ۱۳۵۷: ۱۴۹ و ۹۹) که انعکاس آن در شعر شاعران چپ‌گرای مشهد نیز دیده می‌شود. عاملی:

حطام و ثروت ارباب در شمار نیاید مصیبت و غم زحمت‌کشان حساب ندارد

(راستی، ۲۲۴: ۳)

کی به فکر حال زار کارگر خواهد فتادن آن‌که صدها کارگر در تحت استثمار دارد

(راستی، ۱۹۲: ۱)

ع.م. پیاده:

عده‌ای محتکر و مفت‌خور و پیر غلام تا که بر کشور جم کامروا خواهد بود

همچنان توده زحمت‌کش این ملک خراب دست‌وپا بسته به زنجیر و بلا خواهد بود

(راستی، ۱۳۲۴/۳/۷: ۲۱۴)

ربانی:

کارگر با کارفرما کی نماید ائتلاف یار کی گشته کبوتر با عقاب ای رنجبر

(راستی، ۱۴۱: ۱)

معینان:

روز و شب اندر ره عیش و طلب سرمایه‌دار صرف سازد حاصل لیل و نهار کارگر

(راستی، ۷۵: ۱)

وضعیت اسفناک اقشار فرودست که به‌ویژه در سال‌های موردنظر (۱۳۲۵-۱۳۲۰) شدت یافته بود، اگرچه مورد اطلاع مسئولین دولتی و حکومتی بود، اما با اهمیتی برای رفع ریشه‌های آن انجام نمی‌شد یا در شرایط سخت کشور تحت اشغال، امکان آن وجود نداشت. علاوه بر این، مشکلات آنان ریشه‌های تاریخی داشت که البته با آنچه مارکسیسم مدعی آن بود تفاوت داشت. الگوهای قدرت و مالکیت در روستاها می‌توانست در این رابطه در نظر گرفته شود. اگرچه در مورد همه‌جا و همه‌کس عمومیت نداشت و تمام مالکان تضییع‌کننده حقوق دهقانان نبودند. انتقال بخش عظیمی از تولیدات کشاورزی به خارج از کشور یا خرید آن توسط نیروهای نظامی بیگانه مستقر در کشور در برهم‌زدن توازن اجتماعی اقتصادی ایران نقش تعیین‌کننده‌ای داشت (ذوقی، ۱۳۶۸: ۷۱).

شرایط زندگی سخت کارگران و فرودستان شهری نیز به‌واسطه شرایط عمومی نامناسب کشور بود و آنچه از ظلم سرمایه‌دار در مکتب مارکسیسم (که نظر و ریشه در تحولات صنعتی اروپا داشت) گفته می‌شد، در مورد ایران صادق نبود. به‌جز چند صنعت قابل‌اعتنا در ایران از جمله نفت جنوب یا نساجی اصفهان، کارخانه قابل توجهی در ایران وجود نداشت تا بحران

سرمایه‌داری عامل فقر و رنج کارگران باشد. اما این نگاه قالبی مارکسیستی بدون توجه به زیرساخت‌ها و مصداقی‌یابی، توسط حزب توده در مورد ایران نیز استفاده می‌شد (طبری، ۱۳۶۰: ۳۵) و این شاعران نیز بدان اشاره دارند. حتی صحبت از جنگ و تضاد طبقاتی کارگر با سرمایه‌دار می‌شود که این نیز در ایران به آنچه مدنظر مارکسیسم است وجود ندارد. تقابل موجود در جوامع صنعتی هیچ‌گاه در ایران وجود نداشته و صاحب ثروت و سرمایه در ایران تاریخی و حتی در دوره قاجار و پهلوی اول به‌طور عام استثمارگر طبقات فرودست جامعه نبوده‌اند (احمدی، ۱۳۹۶: ۷۸-۵۰).

ثروتمندان بسیاری در عرصه خدمات اجتماعی فعال بوده و اقدامات عام‌المنفعه زیادی برای طبقات پایین انجام داده‌اند (مرتضوی، ۱۳۸۷: ۷۳-۶۸)، درحالی‌که در نگاه حزب توده تفاوتی میان افراد این قشر وجود نداشته و همه به یک چوب رانده می‌شوند. سرمایه‌دار و ثروتمند ایرانی در روزنامه راسی خون‌خوارترین و بی‌وجدان‌ترین سرمایه‌دار جهان لقب می‌گیرد (راسی، فوق‌العاده: ۱) و حکمی جز اشد مجازات دریافت نمی‌کند. ربانی:

آنکه بی‌زحمت خورد نان هر که می‌باشد سزایش تا شود ویران بنای ظلم چوب‌دار باشد
(راسی، ۲۲۲: ۲)

عاملی:

به صنف رنجبر ملک جم بگو از من جواب این همه اجحاف و ظلم شمشیر است
(راسی، ۱۲۱: ۳)

معینان:

پیکر حق‌ناشناسان را کند آغشته در خون گردن گردن کشان را بر فراز دار دارد
(راسی، ۲۹۴: ۳)

فرجام حزب توده مشهد و حوزه کارگری

توفیق حزب توده خراسان در جذب کارگران دلایلی داشت؛ ازجمله: ۱. فقدان کارگران شاغل در مشاغل بزرگ به دلیل کم‌بودن صنایع مستقر در خراسان و وجود انبوه کارگران بی‌تخصص و ناآگاه که تحت تأثیر فقر به سرعت جذب شعارهای صنفی حزب می‌شدند، ۲. فقر فرهنگی این کارگران و جذب آن‌ها به شعارهای عدالت‌طلبانه حزب و ۳. ناشناخته‌بودن مرام مارکسیستی حزب (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷: ۱۰۳) که به شدت پنهان نگه داشته می‌شد.

اما این پیوند چندان دوام نیاورد، چراکه حزب توده مخالفان قدرتمندی داشت. با چرخش اوضاع و خروج شوروی از مشهد و غلبه فضای ضدتوده‌ای در کشور و استان، اقدامات

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۴، شماره ۶۴، زمستان ۱۴۰۳ / ۱۲۱

مقابله‌ای علیه آنان شدت یافت. مقامات اداری و نظامی استان به سرعت هجمه علیه آنان را آغاز کردند؛ از جمله امیر تیمور کلالی نماینده مشهد در مجلس که بارها به «شورای متحده کارگران و زحمت‌کشان خراسان» حمله کرده بود و در مقابل از سوی این شورا به وکیل قلابی متصف شده بود (کمام، ۱۳۲۳/۹/۲۷: ۱۳-۲۲۳۶۳/۱۳-۲).

متولیان مذهب و از جمله نماد جناح نزدیک به حاکمیت یعنی آیت‌الله کفایی نیز به مقابله برخاستند. نفوذ چشمگیر حزبی که شائبه‌های لامذهبی آنان وجود داشت، حساسیت‌برانگیز بود. از آنجاکه کارگران علی‌رغم تشکیل اتحادیه‌های کارگری، به پایگاه‌های قوی‌تر و با سابقه‌تری یعنی ساختارهای صنفی، سنتی و دینی تعلق داشتند، با تلاش آیت‌الله کفایی برای متوقف کردن نفوذ همه‌جانبه توده، صفوف فشرده کارگران توده‌ای درهم ریخت.

افول توده در سطح کشوری عامل مهم‌تری بود. بعد از خروج شوروی، پرونده فعالیت‌های حزب توده در مشهد تا نهضت ملی نفت بسته شد. با آشکار شدن اولین نشانه‌های این افول، موج ریزش‌های کارگری نیز آغاز شد. اغلب این کارگران از ترس تعقیب و اخراج، استعفانامه‌های دسته‌جمعی خود را در روزنامه‌های مشهد منتشر می‌کردند. موج اصلی این استعفانامه‌ها در روزنامه *ندای خراسان* بود. موجی که تأثیر خود را به سرعت به جا گذاشت و ضربه اساسی به تشکیلات اتحادیه کارگری وارد کرد (ندای خراسان، ۱۳۲۵/۹/۲۱: شماره ۲۵؛ ۱۳۲۵/۹/۲۵: شماره ۲۶، ۱۳۲۵/۹/۲۶: شماره ۲۷، ۱۳۲۵/۱۰/۲: شماره ۲۸).

این استعفانامه‌ها شامل رده‌های بالا از جمله حسین مشکینیان نیز می‌شد (ندای خراسان، ۱۳۲۵/۹/۱۱: ۲۳). برخی فعالین کارگری تحت نظر قرار گرفتند و برخی نیز به شوروی پناهنده شدند (مشکینیان، مصاحبه: ۱۳۸۷). دیگر احزاب نیز تلاش می‌کردند مانع پیوستن کارگران به حزب توده شده و به ورود به حزب خود تشویق کنند. حزب دموکرات وابسته به قوام بیش از دیگر احزاب پی‌گیر این امر بود. این حزب در زمان نخست‌وزیری قوام به واسطه قدرت دولتی از فشار کارفرماها برای این کار استفاده می‌کردند که با اعتراض تشکیلات توده مشهد مواجه شد (راستی، ۱۳۷۸: ۱).

این تحولات به نحو کنایه‌آمیزی به شعر درآمده است. عاملی در شعری با عنوان «کارگر خود نیست حاضر» آورده:

مهربان با من شود بی‌مهر با اغیار باشد	جهدها کردم که با من دلبر من یار باشد
حاصلم وصل رخ آن شوخ خوش‌رفتار باشد	بس تحمل رنج‌ها کردم به راه او که روزی
عایدم این شد که بینم بر رقیبان یار باشد	عاقبت با آن همه رنجی که در راهش کشیدم

(راستی، ۲۲۲: ۲)

خلق اصطلاحات معنایی جدید

حزب توده همچنان که اشاره شد از تأثیرگذارترین جریان‌های سیاسی معاصر بر چهرهٔ ادب فارسی بود. این حزب توسط بازوهای فعال ادبی در میان نویسندگان، شاعران و مطبوعات، توانست اصطلاحات ویژهٔ خود را در جامعهٔ ایرانی و در سپهر سیاست و اجتماع مطرح کند (ترابی فارسانی و توسلی، ۱۳۸۸: ۱۱) که بسیاری از آن‌ها تا زمان کنونی نیز باقی مانده است.

برای این مفاهیم مأخوذ از مکتب مارکسیسم، گاه واژه‌هایی از دل زبان فارسی استفاده و مفهومی تازه به آن بار می‌شد و گاه واژه‌هایی جدید خلق می‌کردند. بخشی از این واژه‌پردازی‌ها در اشعار شاعران چپ‌گرای مشهد نیز وجود دارد که تعدادی از آن‌ها به دلیل استفاده در اشعار ذکرشده تاکنون، تنها به قیدکردن آن‌ها اکتفا می‌شود. واژه‌هایی مانند رنجبر، کارفرما، سرمایه‌دار (راستی، ۱۳۸۱: ۱)، صنف (راستی، ۱۳۶۷: ۱)، توده، خلق (راستی، ۱۳۹۳: ۱)، استثمار (راستی، ۲۰۰۳: ۲)، زحمت‌کش (راستی، ۲۰۱۰: ۲)، رفیق (راستی، ۲۰۱۱: ۳)، جنگ طبقاتی (راستی، ۱۳۸۱: ۱) و بورژوازی (راستی، ۲۰۲۲: ۲: ۱۹۲: ۱).

این اصطلاحات جدید و سنگینی که آنان در این اشعار استفاده می‌کردند، نمود فضل آنان تلقی می‌شد و گاه حربه‌ای برای از میدان به‌درکردن رقبا بود (قدیمی توکلی، ۱۳۷۹: ۸۴) این نوع بیان برای بسیاری از جمله دانش‌آموزان، جذاب، مستدل و دارای ضریب نفوذ بالایی بود (مجیدفیاض: ۱۳۸۱: ۸۵).

از نمادهای مکتب مارکسیسم نیز می‌توان نشانه‌هایی یافت؛ از جمله داس و چکش که نماد گروه‌های مارکسیستی در تمام دنیا به حساب می‌آید، هر چند تغییری کوچک در آن داده شده است. عاملی:

جفا و خودسری و ظلم مالکین ستمگر
به غیر داس و تبر رنجبر جواب ندارد

(راستی، ۲۰۲۴: ۳)

کاخ ستم به شکوه چو بیرون نمی‌شود
باید که فکر قدرت داس و تبر کنم

(راستی، ۲۰۱۵: ۲)

داس و تبر در این ابیات هم می‌تواند به معنای حزب توده و هم به‌مثابهٔ ابزارهای قدرت و نماد طبقات رنجبر باشد. از دیگر نمادهای مربوط به طبقهٔ کارگر، اول ماه مه روز کارگر است که در بیشتر کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده و گروه‌های مارکسیستی که به نوعی خود را حامی انحصاری کارگران می‌دانند تأکید ویژه‌ای روی آن دارند. حزب تودهٔ ایران تلاش‌های بسیاری برای بزرگداشت این روز انجام داده است. اول ماه می به شعر شاعران چپ‌گرای مشهد نیز راه یافته است. عاملی:

اول ماه مه است روزی کان روز
کاخ ستم را فتاده لرزه بر اندام
عید در این روز خجسته بگیرند
کارگران همه جهان ز دل و جان
کارگر ملک جم بگیرد بایند
جشن به کوری چشم دشمن ایران
(راستی، فوق‌العاده: ۱)

نتیجه‌گیری

مارکسیست‌ها و از جمله حزب توده ایران توجه ویژه‌ای به قشر رنجبر و کارگر داشته‌اند، چراکه در نگاه این مکتب کارگران هستند که با انقلاب خود، مرحله نهایی تاریخ بشر را رقم خواهند زد. علی‌رغم تفاوت‌های بنیادی قشر رنجبر در ایران با آنچه مارکسیسم گفته، حزب توده با نگاه قالب‌زده، فعالیت‌های خود در رابطه با آنها را آغاز کرد و از تمام اهرم‌هایی که می‌توانست در اختیار بگیرد، بهره برد. در کنار تشکیل اتحادیه‌های کارگری و برپایی اعتصاب و توفیق برخی از آنها برای تغییر شرایط به نفع کارگران، از ابزار شعر نیز برای پیشبرد ایده‌های خود استفاده کرد. اساساً یکی از نقاط قوت حزب توده ادبیات قوی آنها بود. آنها شاعران و نویسندگان برجسته بسیاری را به اردوگاه خود بردند و اگرچه در تلاطم‌های سیاسی، بسیاری را از دست دادند، اما تولیدات آنها از مجاری مهم اثرگذاری حزب محسوب می‌شده است. شعر کارگری یکی از حوزه‌های ورود این شاعران چپ‌اندیش بود که آمیزه‌های مارکسیستی را مدنظر داشت. شاعران چپ‌گرای مشهدهی نیز از این رویه مستثنی نبودند. در اشعار آنها کارگر، مدار بشری لقب می‌گیرد؛ اما برای رسیدن به این جایگاه باید بر مشکلات خود که به دو دسته تقسیم می‌شوند فائق آید: ۱. عوامل بیرون از طبقه که همان دشمنان طبقه کارگر مانند حاکمان، سرمایه‌داران، محترکان، مالکان و ارباب ماشین هستند و ۲. عوامل درون طبقه که عمدتاً ناآگاهی، بی‌خبری، عدم تحرک و تقدیرگرایی است. شاعر توده‌ای مشهده به کارگران که به‌ویژه به دلیل شعارهای عدالت‌طلبانه و رفاهی حزب در میتینگ‌ها و جلسات آنها حضور می‌یابند نهیب می‌زند که باید از خواب غفلت برخیزند و با اتحاد خود عزم مبارزه با این عوامل را جزم کنند. این آگاهی بخشی در نگاه ایدئولوگ‌های مارکسیسم-لنینیسم از وظایف احزاب کمونیستی است که شاعران توده‌ای به خوبی نقش این هدایت‌گری را در اشعارشان به حزب توده می‌دهند. آنها از جنگ طبقاتی، انقلاب، محو سرمایه و سرمایه‌دار و پیروزی جبری کارگر سخن می‌گویند که غالباً آموزه‌های مارکسیستی است که به شعر تزریق شده است. اشعاری که در بسیاری موارد با زبانی عربی این مفاهیم را تبلیغ می‌کند.

منابع

- احمدی، محمدعلی (۱۳۹۶). *گفت‌وگو در ایران*. تهران: ققنوس.
- الهی، حسین (۱۳۸۲). *احزاب و سازمان‌های سیاسی در خراسان ۳۲-۱۳۲۰*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران (۱۳۵۹). جلد ۱. تهران: علم.
- باروچی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). *مصاحبه، آرشیو تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی*.
- بصیری، محمدصادق (۱۳۹۷). «بررسی مضامین اشعار کارگری دوره مشروطه». *ادبیات پایدار*. ۱۰(۱۹): ۲۵-۵. doi: 10.22103/jrl.2019.2299
- پژوم، جعفر (۱۳۷۰). *یادنامه استاد محمدتقی شریعتی*. قم: خرم.
- پویان، حسن (۱۳۸۵). *یاد ایام جوانی*. تهران: گام نو.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۸). «درآمدی بر تاریخ‌نگاری حزب توده در ایران». *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*. ۱۹(۴): ۱-۲۴. doi: 10.22051/hph.2014.832
- تفرشیان، ابوالحسن (۱۳۶۷). *قیام افسران خراسان*. تهران: اطلس.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت.
- جزنی، بیژن (۱۳۵۷). *تئوری جمع‌بندی مبارزات سی ساله اخیر در ایران*. آبادان: ثریا.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷). *حزب توده از آغاز تا فروپاشی (۱۳۶۱-۱۳۲۰)*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- جوادی یگانه، محمدرضا؛ تفنگساری، بشیر (۱۳۹۱). «تأثیر حزب توده بر ادبیات داستانی ایران (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷)». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. ۴(۲): ۲۰-۱. doi: 10.22059/jsal.2013.35931
- حاجی آقابابایی، محمدرضا؛ محمدی، غزاله (۱۴۰۲). «شیوه‌های تأثیرگذاری حزب توده بر ادبیات معاصر ایران». *پژوهش‌های ادبی*. ۲۰(۸۲): ۳۷-۹. doi: 2634.20.82.9
- خامه‌ای، انور (۱۳۶۲). *خاطرات سیاسی*. تهران: گفتار.
- _____ (۱۳۶۲). *فرصت بزرگ از دست رفته*. تهران: دیبا.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸). *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*. تهران: پازنگ.
- رحیمی، مرضیه؛ محمدی، علی (۱۴۰۲). «بررسی و تحلیل شعر کارگری در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی». *شعرپژوهی*. ۱۵(۲): ۵۰-۲۵. doi: 10.22099/jba.2023.45201.4327
- روله، یورگن (۱۳۹۱). *ادبیات و انقلاب*. ترجمه علی اصغر حداد. تهران: نی.
- شریف‌پور، عنایت‌الله؛ باقری، محمدحسن (۱۳۹۰). «مقایسه ادبیات کارگری در اشعار فرخی یزدی و جمیل صدقی زهاوی». *لسان مبین*. ۲(۴): ۸۳-۶۰.
- https://lem.journals.ikiu.ac.ir/article_16.html
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰). *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*. تهران: سخن.
- طبری، احسان (۱۳۶۶). *کثر راه*. تهران: امیرکبیر.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۴، شماره ۶۴، زمستان ۱۴۰۳ / ۱۲۵

عظیمی، میلاد؛ طیه، عاطفه (۱۳۹۱). پیر پرنیان/اندیش. جلد ۲. تهران: سخن.
قدسی‌زاد، پروین؛ یزدانی، سهراب و شیخ‌نوری، محمدامیر (۱۳۸۹). «ماهیت دولت پهلوی دوم از دیدگاه حزب توده ایران و سازمان چریک‌های فدایی خلق». *تاریخ اسلام و ایران*. ۲۰(۶). ۱۶۱-۱۲۹
doi: 10.22051/hii.2014.707

قدیمی‌توکلی، مجید (۱۳۷۹). حزب توده مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.
کشاوری بیضایی، محمد و دیگران (۱۳۹۹) «تعامل و تقابل شعر حافظ شیرازی با ساختار سیاسی قدرت». *علوم ادبی*. ۱۰(۱۷). ۲۲۴-۱۹۹. doi: 10.22091/jls.2020.5366.1223
کولایی، الهه (۱۳۷۶). *استالین‌سیم و حزب توده ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
کیانوری، نورالدین (۱۳۷۱). *خاطرات نورالدین کیانوری*. تهران: اطلاعات.
گرز، اندره (۱۳۶۳). *پرولتاریا، تکنولوژی، آزادی*. ترجمه مصطفی رحیمی. تهران: رازی.
گلدمن، لوسین (۱۳۷۶). *جامعه، فرهنگ، ادبیات*. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: چشمه.
گلشن‌آزادی، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *صدسال شعر خراسان*. مشهد: مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.

محرم‌خانی، فریبرز؛ عنبرمو، منصور (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر حزب توده بر مخیله ایرانی». *تاریخ اسلام و ایران*. ۲۴(۲۱). ۱۱۷-۱۵۰. doi: 10.22051/hii.2014.789

_____ (الف ۱۳۹۳). «بررسی موضع حزب توده در قبال انقلاب اسلامی ایران براساس اسناد چپ». *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*. ۲۴(۱۳). ۱۴۸-۱۲۵. doi: 10.22051/hph.2016.2307

مجیدفیاض، عبدالمجید (۱۳۸۱). *از باغ قصر تا قصر آرزوها*. تهران: کویر.
مرتضوی، مرضیه (۱۳۸۷). «حاج حسین آقا ملک: شخصیت، اقدامات، خدمات». *وقف میراث جاویدان*. ۶۲(۶۸-۷۳).
<https://ensani.ir/fa/article/author/126006>

مشکینیان، حسین (۱۳۷۸). *مصاحبه*. آرشیو تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی.
ملک‌پایین، مصطفی و دیگران (۱۳۹۵). «جستار برون‌متنی و درون‌متنی اشعار نیمایوشیج در دهه‌های بیست و سی». *پژوهش‌های ادبی*. ۱۳(۵۳). ۱۵۰-۱۲۳.

<http://lire.modares.ac.ir/article-41-12020-fa.html>

استاد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ساکما): ۲۹۳/۵۶۹۱
کتابخانه، موزه و مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کمام): ۱۳۲۳/۹/۲۷: ۱۲-۲۲۳۶۳/۱۲ و ۲-۲۲۳۶۳/۱۰ ۹/۸/۱۳۲۳

روزنامه‌ها

آزادی. شماره ۲۳۶۶.

۱۲۶ / از هشداد تا انقلاب؛ بررسی شعر کارگری شاعران چپ‌گرای مشهد ... / صالحی جاوید

اخبار تازه روز (۱۳۲۴). «تبریک به قائد بزرگ». شماره ۲۲۷. ۵ خرداد
راستی. شماره های ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۵۱، ۷۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۴۱، ۱۸۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۶، ۲۰۱،
۲۰۳، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۴۱، ۲۵۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۰۳، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۴،
۳۳۱، ۳۳۰، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۷۲، ۳۷۸، ۳۸۰ و فوق‌العاده ۱۱ اردی‌بهشت ۱۳۲۲.
ندای خراسان (۱۳۲۵). شماره‌های ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹.
نور ایران (۱۳۳۱). شماره ۱۶۷.



List of sources with English handwriting

Books, Journals and Thesis

- Ahmadi, Mohammad Ali (2017) *Left Discourse in Iran*, Tehran, Entesharāt-e Qognūs. [In Persian]
- Azimi, Milad and Atefeh Tayyeh (1991). *Pir-e Parnān Andīš*, Vol. 2, Tehran, Soğan. [In Persian]
- Barouhi, Ali Akbar (2010). Interview, Oral History Archive of Āstān-e Qods Ražavī.
- Basiri, M. S., Sarfi, M. and Taheri, N. (2019). An Investigation of the Contents of Labor Poems during the Constitutional Period. *Journal of Resistance Literature*, 10(19), 1-25. doi: 10.22103/jrl.2019.2299 [In Persian]
- Elahi, Hossein (2003). *Political Parties and Organizations in Khorasan 1320-32*, Mashhad, Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Garz, Andre (1984), *Proletariat, Technology, Freedom*, translated by Mustafa Rahimi, Tehran, Razi. [In Persian]
- Ghadimi Tavakoli, Majid (1999). *Mashhad Tudeh Party*, Master's Thesis, Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Goldman, Lucien (1997), *Society, Culture, Literature*, translated by Mohammad Jafar Poyandeh, Tehran, Cheshme. [In Persian]
- Golshan-Azadi, Ali-Akbar (1994). *One Hundred Years of Khorasan Poetry*, Mashhad, Center for Artistic Creations of Āstān-e Qods Ražavī. [In Persian]
- Haji-Agha Babaie M R, Mohammadi G. *Influence Methods of Tudeh Party on Contemporary Literature of Iran*. LIRE 2023; 20 (82) :9-37. Doi: 20.1001.1.17352932.1402.20.82.7.2 [In Persian]
- Historical documents of the labor, social democratic and communist movement in Iran* (1970), vol. 1, Tehran, Entesharāt-e 'Elm. [In Persian]
- Jazni, Bijan (1978) *A theory summarizing the struggles of the last thirty years in Iran*, Abadan, Entesharāt-e torayā. [In Persian]
- Khamei, Anvar (1983), *Political Memoirs*, Tehran, Goftār. [In Persian]
- Khamei, Anvar. (1983) *A Great Opportunity Lost*, Tehran, Dībā. [In Persian]
- Kianuri, Nouredine (1992) *Memoirs of Nouredine Kianuri*, Tehran, Etelā'āt. [In Persian]
- Kolayī, Elahe (1997). *Stalinism and the Tudeh Party of Iran*, Tehran, Islamic Revolution Documents Center. [In Persian]
- Majid-Fayyaz, Abdul Majid (2002). *From the Palace Garden to the Palace of Dreams*, Tehran, Kavīr. [In Persian]
- Meshkinian, Hossein (2009). Interview, Oral History Archive of Āstān-e Qods Ražavī. [In Persian]
- Moharamkhani, F. and Anbarmoo, M. (2014). Tudeh Party's Stance on Iran's Islamic Revolution with emphasis on Left Documents (Tudeh Party). *Historical Perspective & Historiography*, 24(13), 125-148. doi: 10.22051/hph.2016.2307 [In Persian]
- Moharramkhani, F. and Anbarmoo, M. (2014). *The impact of Iranian Fantasy on Marxism: A study on the Tudeh Party of Iran*. *History of Islam and Iran*, 24(21), 117-150. doi: 10.22051/hii.2014.789 [In Persian]
- Mortazavi, Marzieh (2008) *Endowment for the Eternal Legacy*, Vol. 62, pp. 68-73. [In Persian]
- Pejoom, Jafar (1999). *Memorial of Professor Mohammad Taqi Shariati*, Qom, Entesharāt-e Koram. [In Persian]
- Pouyan, Hassan (2006), *Remembering the Days of Youth*, Tehran, Entesharāt-e Gām-e Nū. [In Persian]
- Qasemzadeh, P., Yazdani, S. and Sheikhnoori. (2010). The nature of the Pahlavi government (II) from the perspective of the Tudeh Party of Iran and the People's Fedayeen Guerrilla Organization of Iran (1372-1357). *History of Islam and Iran*, 20(6), 129-161. doi: 10.22051/hii.2014.707 [In Persian]
- Rahimi, M. and Mohammadi, A. (2023). An Investigation into and Analysis of Labor Poetry

- in the Post-Islamic Revolution Decades. *Journal of Poetry Studies (boostan Adab)*, 15(2), 25-50. doi: 10.22099/jba.2023.45201.4327 [In Persian]
- Rolle, Jurgen (1991), *Literature and Revolution*, translated by Ali Asghar Haddad, Tehran, Ney. [In Persian]
- Ruhle, Jurgen (2012) *Literatur und Revolution; die Schriftsteller und der Kommunismus*, Translated by Ali Asghar Haddad, Tehran, Entesharāt-e Ney. [In Persian]
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (1991), *Periods of Persian Poetry from Constitutionalism to the Fall of the Monarchy*, Tehran: Soğan. [In Persian]
- sharifpour, enayatollah and., (2011). Proletarian literature in Farokhy Yazdi and Jamil Sedghi Zahavi's Poetries. *Lisān-i Mubīn*, 2(4), - [In Persian]
- Tabari, Ehsan (1987). *Kazhrāhe*, Tehran, Amīr Kabīr. [In Persian]
- Tafreshian, Abolhassan (1988) *The Uprising of the Officers of Khorasan*, Tehran, Entesharāt-e Atlas [In Persian]
- Tavassoli, Gholam Abbas (2009), *Sociological Theories*, Tehran, Entesharāt-e Samt. [In Persian]
- Torabifarsani, S. and Tavassolikupaie, M. (2010). An Introduction to the Historiography of the Tudeh Party of Iran. *Historical Perspective&Historiography*, 19(4), 1-24. doi: 10.22051/hph.2014.832 [In Persian]
- Zoghi, Iraj, (1989), *Iran and the Great Powers in World War II*, Tehran, Pāzheng. [In Persian]

Documents

- Sāzmān-e Asnād va Ketābkāne-ye Mellī-ye Iran (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):293/5691
- Ketābkāne, Mūzeh va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmī (Library, Museum and Document Center of Itan Parliament): 1323/09/27: 2-22363/12 ,1323/08/9: 2-22363/10.

Press

- Āzādī, no. 2366.
- Akbār-e Tāze-ye Rūz (1945/1324 Š.), "Tabrīk be Qāyed-e Bozorg," no. 227, 5 Kordād.
- Rāstī, nos. 11, 40, 44, 45, 51, 75, 106, 108, 114, 121, 141, 180, 192, 193, 196, 201, 203, 215, 222, 224, 241, 257, 289, 290, 291, 303, 309, 310, 317, 319, 321, 324, 331, 360, 363, 367, 372, 378, 380, and Special Issue of 11 Ordibehešt 1322 (2 May 1943).
- Nedā-ye Korāsān (1946/1325 Š.), nos. 25, 26, 27, 28, 29.
- Nūr-e Īrān (1952/1331 Š.), no. 167.



©2025 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

پرتال جامع علوم انسانی

**From Warning to Revolution;
A Study of the Labor Poetry of Leftist Poets of Mashhad
1941 to 1946¹**

Kobra Salehijavid²

Received: 2024/06/22
Accepted: 2024/11/28

Abstract

The provincial committee of the Tudeh Party of Khorasan was one of the provincial branches of the Tudeh Party, that, in line with the central cadre, put literature on its agenda. In addition to this party affiliation, the presence of Khorasan cultural and literary figures in the party's ranks meant that poetry was used extensively to explain the party's goals and ideals. A significant portion of these poems were also dedicated to the Party's important priorities, namely the working class, in order to simultaneously contribute to the socio-political efforts of the Khorasan Provincial Committee to improve the conditions of this group. Describing the difficult living conditions of the workers, encouraging them to move and achieve their rights, and the Tudeh Party's support for them on this path were among the themes of the labor poetry of the Tudeh poets of Mashhad. The information considered in this research was collected using a library method.

Keywords: Mashhad Mass Party, Poets, Worker poetry

1. DOI: 10.22051/hii.2025.47436.2942

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology, Hakim Sabzevari University, Khorasan Razavi, Iran. k.salehijavid@hsu.ac.ir
Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493